

● آیا تصمیم دارید که نظر دستگاه‌های دولتی و قضایی را نسبت به طرح خود جویا شوید؟
○ حتماً، قطعاً باید وزارت اقتصاد، بانک‌ها و دستگاه قضایی درباره این طرح نظرشان را ارایه کنند.
● چرا؟

○ چون قانون چک به اعتبار کشور مربوط می‌شود و ممکن است اقتصاد کشور را با دشواری رو به رو کنیم. مضار و منافی در این طرح وجود دارد که باید کارشناسان دوز هم جمع شوند و نسبت به آن بررسی و تصمیم‌گیری کنند.

● فکر می‌کنید که بررسی این طرح در کمیسیون قضایی مجلس در چه زمانی صورت بگیرد؟

○ با توجه به حجم کار کمیسیون قضایی و طرح موارد متعدد، من تصور نمی‌کنم که این طرح تا یک یا دو ماه دیگر مورد بررسی قرار بگیرد.

● با تشکر از اینکه صورانه به پرسش‌های «بانک و اقتصاد» پاسخ گفتید.
○ من هم متشکرم.

در قانون جدید تصریح شود که دولت از گیرنده چک بی‌محل، تا چه اندازه و چقدر حمایت می‌کند.
● یعنی بار مسولیت و تعهدات صادرکننده چک بر دوش دولت بیفتد؟

○ نه، برعکس، بلکه تعهدات ناشی از اعطای دسته چک بردوش دولت و بانک‌ها می‌افتد. البته در همین طرح آمده است که بانک‌ها نیز می‌توانند از صادرکننده چک بدون محل شکایت کنند.

● شما فکر می‌کنید با توجه به توضیحاتی که در خصوص طرح مجلس ارایه کردید، این طرح منطقی است؟

○ هنوز روی این طرح باید تأمل شود و در کمیسیون قضایی روی آن بحث و بررسی صورت نگرفته است. فعلاً طرح مزبور در مقام حرف است.

● آیا از نظر کارشناسان بانک مرکزی و سایر بانک‌ها و مراکز دولتی نسبت به این طرح باخبرید؟
○ هنوز نظر دولت و دستگاه قضایی روی این طرح مشخص نیست.



کلیات طرح تغییر قانون چک و نظریات عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی را با دو تن از صاحب‌نظران در مسایل حقوقی بانکی هم مطرح کردیم تا ببینیم دیدگاه‌های دیگر نسبت به این مسأله چگونه است. اینک ابتدا نظر استاد اکبر پیروفر را ملاحظه می‌فرمایید و بعد نظر آقای اسماعیل المعی، مسوول کمیسیون حقوقی بانک‌ها و مدیر کل امور حقوقی بانک رفاه را.

دیدگاه اول: به قانون تجارت برگردیم

رتال جامع علوم انسانی

خودش از حساب برداشت می‌کند و یا دارنده چک وجه چک را از بانک محال علیه دریافت می‌دارد. این قانون صراحت دارد به اینکه وجه چک باید به محض ارایه کارسازی شود و نیز تصریح کرده است که پرداخت وجه چک نباید وعده داشته باشد. این تصریح به نداشتن وعده را که حکم قانونی است، به خاطر داشته باشید، چون مجدداً به این موضوع برمی‌گردیم.

از نظر قانون مورد بحث، وصول چکی که وجه آن پرداخت نمی‌شد، جنبه مدنی داشت، نه جزایی. در سال ۱۳۱۲ ضمن ماده واحده، ماده ۲۳۸ مکرر به قانون مجازات صادرکنندگان چک بدون محل الحاق شد و به تصویب رسید.

ضمن تشکر از ماهنامه بانک و اقتصاد که این موضوع را طرح کرده و در جریان نظرخواهی قرار داده است، اجمالاً مطالبی را در اختیار شما قرار می‌دهم: در مسأله چک ابتدا باید بدانیم که این موضوع به چه صورت وارد نظام قانونگذاری ایران شده است. مواد ۳۱۰ تا ۳۱۷ قانون تجارت، مصوب سال ۱۳۱۱ مربوط به چک می‌باشد. بر طبق تعریف قانونی، چک نوشته‌ای است که به موجب آن، صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند. در حال حاضر، محال‌علیه بانک‌ها هستند که با افتتاح حساب جاری به تقاضای مشتری، دسته چک در اختیار او قرار می‌دهند و صاحب حساب هم با اصدار چک، یا

● در سنوات گذشته، قانون تجارت یک دیدگاه درباره چک بدون محل داشته و قانون مجازات عمومی دیدگاه دیگر.



۳- صدور دستور عدم پرداخت چک توسط صادرکننده،

۴- عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی یا اختلاف در مندرجات چک یا سایر اشتباهات که موجب عدم پرداخت چک گردد.

ضمناً بر طبق ماده ۱۳ کلیه قوانین و مقررات که با مواد این لایحه مغایرت داشته باشد، بلااثر اعلان شده بود. حال، به یک نکته مهم که در این مصوبه مطرح شد، اشاره می‌نماید و آن این است که بر طبق ماده ۵ دعوی مبنی بر اینکه چک وعده‌دار بوده، مسموع تلقی نشده است. استنباط از این ماده اینست که به موعده چک ترتیب اثر داده نشده و این یک نوع همسویی با قانون تجارت بوده که قبلاً به آن اشاره شد.

در سال ۱۳۳۷ قانون مذکور با تغییراتی به تصویب قوه مقننه وقت می‌رسد که ماده ۱۳ آن حاکی از اینست که بانک‌ها مکلفند حساب جاری کسانی را که سه بار چک بی‌محل ظرف یک سال صادر نموده‌اند و به موجب حکم محاکم صالحه برای این عمل محکوم شده‌اند، بسته و به اسم او حساب دیگری در بانک باز ننمایند.

در ماده ۱۲ هم آمده است که قوانین و مقرراتی که با مواد این قانون مغایرت داشته باشند، در قسمتی که مغایر است، ملغی خواهد بود. ضمناً بر طبق ماده ۷ از لحاظ تعقیب کیفری به شمول موضوع به بند "ب" ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی تأکید شده بود.

در سال ۱۳۴۴ قانون دیگری به تصویب می‌رسد که به بعضی از نکات آن اشاره می‌کنیم:

۱- چک در حکم اسناد لازم‌الاجرا شناخته می‌شود.

۲- بر طبق ماده ۳ صادرکننده چک وقتی حق صدور چک را داشته که معادل مبلغ آن در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چکی را که صادر کرده، به بانک بدهد و چند موضوع دیگر. ضمناً اضافه شده که هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

در ماده ۴ هم تصریح شده بود در صورتی که تخلف از ماده ۳ موجب عدم پرداخت از طرف بانک گردد، صادرکننده چک به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۲ سال و جریمه نقدی معادل یک چهارم وجه چکی که محل ندارد، یا یک چهارم مابه‌التفاوت چکی که مبلغ آن بیشتر از محل موجود در بانک (نقد یا اعتبار) باشد، محکوم خواهد شد.

۳- در کلیه موارد مذکور در مواد بالا هرگاه صادرکننده چک حسن نیت خود را به اثبات برساند، تعقیب موقوف می‌شود.

۴- بزه‌های مذکور در مواد قبل بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست.

در بند "الف" ماده ۲۳۸ مکرر آمده است: هر کس بدون داشتن محل - اعم از وجه نقد یا اعتبار - چک صادر نماید، به جزای نقدی معادل عشر وجه چک محکوم می‌شود و اگر محل کمتر از مبلغ چک باشد، جزای نقدی به نسبت تفاوت بین محل موجود و مبلغ چک اخذ خواهد شد و در هر صورت، میزان جزای نقدی نباید کمتر از دویست ریال باشد.

در بند "ب" هم ذکر شده است که هر کس از روی سوءنیت بدون محل و یا بیشتر از محلی که دارد، چک صادر کند، و یا پس از صادر کردن چک، تمام یا یک قسمت وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به نحوی از انحا از محال‌علیه پس بگیرد. به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۲ سال و به تأدیه جزای نقدی که نباید از دی برابر وجه چک بیشتر و از ربع آن کمتر باشد، محکوم خواهد شد.

قانون اضافه کرده است که جرایم مذکور در فوق، بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب نیست. استرداد شکایت در مورد بند "الف" این ماده در تمام مراحل مانع تعقیب و مجازات است. هرگاه صادرکننده چک در ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهاریه رسمی یا از تاریخ ابلاغ اعتراض‌نامه، وجه چک را نپردازد، سوءنیت او محرز است.

گرچه بن قانون در حال حاضر منسوخ است، لکن از لحاظ سلسله مراتب تقنینی اشاره به آن خالی از فایده نبود.

همانطور که ملاحظه می‌شود، این قانون با چک بدون محل دو نوع برخورد داشته: بند "الف" ناظر به اصدار چک بدون محل در حال عادی بوده، اما در بند "ب" اشاره به سوءنیت صادرکننده چک داشته است و از این تاریخ، اصدار چک بدون محل و یا کمتر از وجه چک، جنبه جزایی پیدا می‌کند. در نتیجه، قانون تجارت یک دیدگاه درباره چک بدون محل داشته و قانون مجازات عمومی دیدگاه دیگر.

در سال ۱۳۳۱ و در زمان نخست‌وزیری زنده یاد دکتر محمد مصدق به مصوبه چک بی‌محل متضمن ۱۴ ماده برمی‌خوریم که به دو نکته از این مصوبه اشاره می‌کنیم: بر طبق ماده ۱، چک در حکم اسناد لازم‌الاجرا تلقی شده و بر طبق ماده ۸ در صورتی که به هر یک از علل مذکور در ماده ۳ بانک از پرداخت وجه چک خودداری نماید و صادرکننده در ظرف ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی یا اعتراض‌نامه وجه چک را نپردازد، مشمول بند "ب" ماده ۲۳۸ مکرر قانون کیفر همگانی بوده و طبق ماده مزبور، قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

ماده ۳ هم جهات عدم پرداخت چک را برشمرده بود که اجمالاً چنین بوده است:

۱- بلا محل بودن چک،

۲- بسته شدن حساب توسط بانک،

● طبق ماده ۱۳، صدور چک به عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، وعده دار و سفید امضا ممنوع است.



است. صادرکننده در صورت شکایت ذینفع و عدم پرداخت، به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از یک صد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

اکنون که بر حسب ضرورت به تاریخچه مقررات چک از لحاظ وصف جزایی چک بدون محل اشاره کردیم، به موضوع جنبه جزایی اصدار چک بدون محل و مجازات صادرکننده آن می‌پردازیم.

۱- در سال ۱۳۱۱ که قانون تجارت چک را تعریف می‌کند، به فاصله زمانی کمی، یعنی در سال ۱۳۱۲ به جنبه جزایی اصدار چک بدون محل برمی‌خوریم. آن تاریخ زمانی است که گستردگی معاملات و میزان جمعیت کشور و نیز شبکه بانکی کشور به وضعیت زمان حاضر نبوده و مشخصاً در آن تاریخ بانک‌های خصوصی تأسیس نشده بودند تا جایی که در ماده ۱ مصوبه سال ۱۳۳۱ هم اشاره به بانک ملی ایران یا سایر بانک‌ها و موسسات اعتباری مجاز می‌شود. در ماده ۱ مصوبه سال ۱۳۳۷ هم اشاره به بانک‌های ایران و سایر بانک‌هایی شده است که طبق قوانین دایر شده یا می‌شوند. بنابراین، مقررات جزایی چک بدون محل به صورت‌های مختلف تا این تاریخ استمرار داشته است و می‌خواهیم این نتیجه را بگیریم که توجه قانونگذار یا نظام بانکی کشور به موضوع بدون دلیل و جهت نبوده است و در حال حاضر هم جامعه مصون از مشکلات پیامدهای چک‌های بدون محل نیست. بنابراین، به نظر این جانب، حذف جنبه جزایی چک‌های بدون محل که نه قابل طرح است و نه به مصلحت جامعه، کثرت زندانیان مربوط به چک‌های بدون محل، یا کثرت شکایات و دعاوی مرتبط به چک، حذف جنبه جزایی را توجیه نمی‌کند. منتها این موضوع می‌تواند از لحاظ اصول و قواعد جرم‌شناسی قابل بررسی و امعان نظر متخصصان و صاحب‌نظران باشد که چگونه یک عمل ساده بانکی، به فاجعه چک‌های بدون محل منجر شده است که مراجع قضایی و دستگاه‌های دیگر را آزار می‌دهد و بیشترین وقت آنها را صرف رسیدگی به شکایات چک‌های بدون محل می‌کند، البته من درباره کمیت و کیفیت مجازات نظری ندارم.

لازم می‌دانم به یک موضوع هم اشاره کنم: در تاریخ ۶/۶/۶۱ معاون دادسرا و سرپرست دایره چک در تهران از شورای نگهبان می‌پرسد: تعقیب کیفری صادرکننده چک بلا محل از نقطه نظر شرعی مانعی دارد یا خیر؟ و چنانچه پاسخ منفی است، در صورتی که احراز گردد چک صادره بی تاریخ یا وعده‌دار و یا تضمینی و مشروط بوده، در این گونه موارد نیز می‌توان صادرکننده چک را تعقیب جزایی نمود یا خیر؟ و نیز در صورت شمول مرور زمان، وضع به چه صورت خواهد بود؟

شورای نگهبان هم ضمن نامه شماره ۷۸۸۸ جواب داده است: اصدار چک بلا محل که عرفاً کلاهبرداری و

۵- در صورتی که دارندة چک تا ۶ ماه از تاریخ مندرج در متن چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

۶- بر طبق ماده ۱۸ قانون مذکور، ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی و قانون چک بی‌محل، مصوب ۱۳۳۷ نسخ شده است.

۷- بانک‌ها مکلفند حساب جاری اشخاصی را که سه بار چک بی‌محل صادر کرده و طبق ماده ۶ این قانون حسن نیت خود را به اثبات نرسانده باشند و عمل آنها موجب شکایت کیفری شده باشد، بسته و به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند.

به سال ۱۳۵۵ که می‌رسیم، به قانون دیگری با عنوان قانون صدور چک مواجه می‌شویم که در حال حاضر با تغییرات و اصلاحاتی قانون حاکم روز می‌باشد.

ماده ۳ این قانون می‌گوید: صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محل علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نکات دیگر.

به موجب ماده ۷، هر کس مرتکب تخلف مندرج در ماده ۲ گردد، به حبس تعزیری از شش ماه، تا دو سال و حسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارایه چک محکوم خواهد شد. ضمناً این ماده یک تنصیر الحاقی در سال ۱۳۷۶ دارد.

بر طبق ماده ۹، در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقداً به دارندة آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محل علیه فراهم نماید، قابل تعقیب کیفری نیست. ماده ۱۱ هم مقرر داشته است که جرایم مذکور در این قانون، بدون شکایت دارندة چک قابل تعقیب نیست و دو مهلت شش ماهه هم برای امکان تعقیب کیفری معین شده است. ماده ۱۲ قبلی در موارد زیر صادرکننده را قابل تعقیب کیفری نمی‌دانست:

- ۱- چک سفید امضا،
- ۲- چک مشروط،
- ۳- چک بابت تضمین انجام معامله،
- ۴- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین حسن انجام معامله یا تعهدی است.
- ۵- چک وعده دار.

در اصلاحیه سال ۱۳۷۲ شماره این ماده به ۱۳ تغییر یافته و گفته است که صدور چک به عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، وعده‌دار و سفید امضا ممنوع

● حذف جنبه جزایی چک‌های بدون محل نه قابل طرح است و نه به مصلحت جامعه.

● قانون صدور چک، مصوب ۱۳۵۵ با تغییرات و اصلاحاتی قانون حاکم روز است.



به بانک مربوط نمی‌باشد. به نظر می‌رسد که در حال حاضر اکثر مشکلات ناشی از صدور چک متوجه چک‌های وعده‌دار است که در مقام معامله رد و بدل می‌شود. اما در تاریخ وعده صادرکننده نمی‌تواند محل آن را تأمین کند.

بر طبق دستورالعمل بانک مرکزی، بانک‌ها از پرداخت چک‌های وعده‌دار منع شده‌اند. در صورت بازنگری قانون بدیهی است که این دستورالعمل هم تغییر پیدا می‌کند.

به نظر من، هر گاه چک‌های عادی را بانک‌ها بدون توجه به هر گونه شرط و قیدی در جریان وصول و ایصال قرار بدهند. صاحبان حساب جاری کمتر به سراغ اصدار چک به جای سفته یا برات می‌روند. مخصوصاً اینکه اخیراً هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد چک‌های مربوط به معاملات که وعده‌دار یا بدون تاریخ صادر شده باشند، تاریخ انجام معامله را ملاک قرار داده و مبدأ شش ماه مهلت مراجعه به بانک را تاریخ انجام معامله قرار داده است. در نتیجه، به علت انقضای مهلت شش ماهه، تعقیب کیفری صادرکننده چک بدون محل از بین رفته است. کلاً این خود می‌تواند عده‌ای را که به جنبه کیفری چک بدون محل بیشتر توجه دارند، از قبول چک‌های وعده‌دار بابت بهای مورد معامله منصرف کند.

به طور کلی، مشکل عمده در کثرت اصدار چک‌های وعده‌دار در معاملات است که همان‌طور که توضیح دادم، به جای سفته یا برات کار می‌کند. ماده ۱۳ قانون صدور چک هم که گفته است که صدور چک وعده‌دار ممنوع است، کارساز نبود. زیرا از نظر این ماده، در صورت شکایت ذینفع و عدم پرداخت صادرکننده مجازات می‌شود، در صورتی که چک‌های وعده‌دار صادر می‌شود و در وعده هم پرداخت می‌شود، بدون اینکه شکایتی بشود. پس صرف اینکه گفته می‌شود صدور چک وعده دار ممنوع است، چک‌های وعده‌دار را از بین نبرده است. به خاطر دارم در سال ۱۳۵۴ و قبل از اینکه قانون صدور چک، مصوب سال ۱۳۵۵ به تصویب نهایی برسد، از اداره حقوقی بانک ملی ایران نظرخواهی شد. مشخصاً توجه مقامات وقت را به موضوع چک‌های وعده‌دار که در پیش‌نویس قانون مذکور وجود داشت، جلب کردیم و گفتیم با وجود تصریح در قانون تجارت که گفته است پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد و وجه چک باید به محض ارایسه کارسازی شود، درباره چک وعده‌دار می‌بایست تصمیم قطعی گرفته شود و نظر مشخص این بود که ملاک عمل قانون تجارت باشد.

یادآور می‌شود که در طرح جدید هم بحث چک‌های وعده‌دار و غیره وجود ندارد که نکته مثبت طرح تلقی می‌شود.

۳) تکلیف به بانک‌ها که در افتتاح و دادن دسته چک امساک یا خست به خرج دهند، چندان مورد پسند جامعه

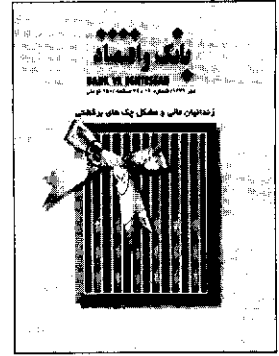
فرب طرف شمرده می‌شود، به وسیله حاکم شرع قابل کیفر و تعزیر است.

یادآور می‌شوم که در تبصره ماده ۵ طرح جدید گفته شده است چنانچه صاحب حساب پس از ابلاغ بانک بدون عذر موجه ظرف مدت ۲۴ ساعت به رفع موانع پرداخت اقدام ننماید، به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد. یکی از موانع پرداخت نداشتن محل است. با این ترتیب، جنبه جزایی چک بدون محل در طرح جدید هم مطرح شده است.

۲) مقنن در سال ۱۳۱۱ به حق گفته بود که چک باید به محض ارایه کارسازی شود و پرداخت وجه چک هم نباید وعده داشته باشد. این حرف کاملاً با طبیعت چک سازگار بوده. در مصوبات سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۷ می‌بینیم که گفته بودند دعوی اینکه چک وعده‌دار بوده، مسموع نیست. در قانون سال ۱۳۱۴ این قید حذف می‌شود. سپس در قانون سال ۱۳۵۵ و اصلاحیه سال ۱۳۷۲ به شکل دیگری مطرح می‌شود که هیچ‌کدام نتوانسته مانع صدور چک‌های وعده‌دار شود. کاملاً معلوم است که چک وعده‌دار نقش سفته یا برات را بازی نمی‌کند، در صورتی که قانونگذار برای پرداخت‌های موعده‌دار، سفته و برات را مشخص و تعیین کرده و برای پرداخت‌های بدون موعد و در واقع، برای پرداخت‌های دیداری و فوری چک را معین کرده است، اما چرا چک جای سفته و برات را گرفته است؟ به دو دلیل: اولاً، به برگ‌های چک مشابه برگ‌های سفته یا برات حق تمبر تعلق نمی‌گیرد و اصدار آن کم خرج است؛ ثانیاً، وجود جنبه جزایی برای چک بدون محل که به بازداشت صادرکننده منتهی می‌شود، امتیازی است که چک دارد. البته این موضوع به این معنی نیست که بخواهیم برای سوق دادن اشخاص به سوی استفاده از سفته یا برات، جنبه جزایی چک بدون محل را از بین ببریم، راه حل قطعی و اساسی این نیست. پیشنهاد من این است که برگردیم به قانون تجارت. در قانون تجارت برای چک که در حال حاضر چک‌های عادی (ماده یک قانون صدور چک) هستند، انواع و اقسامی از قبیل تضمینی و مشروط و سفید امضا و غیره پیش‌بینی نشده است. یک حساب جاری است و یک نوع چک که عهده بانک‌های محال علیه صادر و از موجودی حساب جاری صادرکننده پرداخت می‌شود. چک عادی نباید انواع و اقسام و اشکال مختلف داشته باشد. چک عادی ولو اینکه صادرکننده عناوینی از قبیل تضمینی و مشروط و غیره به آن داده باشد و حتی با داشتن تاریخ موخر، به محض اینکه به بانک ارایه شود، بانک می‌بایست اگر محل داشت، آن را پردازد و اگر نداشت، گواهی عدم پرداخت صادر کند. اگر بین صادرکننده و دارنده چک مسابلی وجود دارد و نسبت به ارایه چک به بانک معترض باشند، باید در خارج رفع و رجوع کنند، حتی با مراجعه به مرجع قضایی، و موضوع

● جنبه جزایی چک بدون محل در طرح جدید هم مطرح شده است.

● برای سوق دادن اشخاص به سوی استفاده از سفته و برات، نباید جنبه جزایی چک بدون محل را از بین ببریم.



نمی‌تواند باشد. به این نکته هم می‌بایست توجه داشته باشیم که چک به جای نقل و انتقال فیزیکی پول نقش عمده‌ای در معاملات و مبادلات دارد. ممکن است چک عادی به جای دریافت و پرداخت اسکناس چند دست بگردد و سرانجام، آخرین دارنده چک مزبور یا وجد آنرا نقداً از بانک بگیرد یا به حساب خود منظور کند.

اما می‌توان به اصدار چک بدون محل بیشتر جنبه بانکی داد تا جنبه قضایی، به این معنی که بانک بر طبق قانون مجاز باشد که در صورت ارایه چک بدون محل به بانک - حتی با کسر موجودی - حساب جاری صادرکننده را رأساً ببندد و تا سه سال از تاریخ ارایه چک به بانک هم حساب جاری دیگری برای او باز نکند. اسامی این قبیل صاحبان حساب جاری نیز به بانک مرکزی اعلام شود و بانک مرکزی هم مکلف باشد که صورت اسامی این اشخاص را به تمام بانک‌ها ابلاغ کند. افتتاح حساب جاری برای هر شخص هم منوط به استعلام از بانک مرکزی و مشروط به نداشتن سابقه صدور چک بدون محل باشد. البته در حال حاضر، تقریباً به همین ترتیب عمل می‌شود، منتها به نظر من، دخالت مرجع قضایی در این موضوع ضرورت ندارد و بانک‌ها خود مسوول این کار می‌باشند.

۴) به منظور استحکام بخشیدن به چک پیشنهادی دارم که توضیح می‌دهم:

استنباط از مواد ۳ و ۷ قانون صدور چک اینست که صادرکننده چک می‌تواند بدون ذکر هرگونه علتی دستور عدم پرداخت وجه چکی را به بانک محال علیه بدهد و بانک هم می‌تواند این دستور را بپذیرد. در ماده ۳ گفته شده که صادرکننده نباید دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد، منتها به موجب ماده ۷ تخلف از ماده ۳ مستوجب مجازات است. در نتیجه، وقتی که صادرکننده دستور عدم پرداخت وجه چک را می‌دهد، عواقب آنرا هم قبول می‌کند که این امر ارتباطی به بانک محال علیه ندارد، البته این برداشت را اداره حقوقی قوه قضاییه هم قبول دارد و مورد ارتباطی با ماده ۱۴ قانون صدور چک ندارد. حال، اگر قانون تجارت را ملاک قرار بدهیم - که باید هم بدهیم - در تعریف چک گفته است که نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد، کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید. پس وقتی که چکی در وجه حامل یا شخص معین صادر شد، صادرکننده وجه چک را به دیگری واگذار کرده و به عبارت دیگر، از مایملک خود خارج کرده است. پس نمی‌تواند مانع پرداخت وجه چک به دارنده آن بشود. در نتیجه، لازم است در بازنگری قانون، صادرکننده از صدور دستور عدم پرداخت وجه چک منع شود و چنین دستوری را هم بانک محال علیه نباید بپذیرد.

درباره ماده ۱۴ قانون فعلی و ماده ۶ طرح جدید هم گفتنی وجود دارد که آن هم در راستای استحکام بخشیدن

به چک‌های عادی است. این مواد به صادرکننده و دارنده چک اجازه می‌دهند که در موارد شمرده شده در متن ماده، یعنی مفقود شدن، سرقت، جعل، کلاه برداری، خیانت در امانت یا جرایم دیگر (معلوم نیست درباره جرایم دیگر تشخیص وقوع جرم با بانک است یا با دستور دهنده) مانع پرداخت وجه چک شود. در اجرای این ماده در وضع موجود پای بانک هم به میان کشیده می‌شود، مثلاً ارایه گواهی شکایت به مرجع قضایی به بانک محال علیه. باید دقت کنیم که نقش بانک در پرداختن وجه چک‌های عادی چگونه است. قانون تجارت گفته است که در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد. پس ارکان چک عبارتند از محل پرداخت و تاریخ چک و امضای صاحب حساب، ضمناً قید مبلغ چک هم امر بدیهی است. در عرف بانکداری، بانک محال علیه امضای زیر چک را با امضای موجود در بانک تطبیق می‌کند که اگر مطابقت نداشت، نمی‌پردازد. چک بدون تاریخ هم قابل پرداخت نیست. چرا ما نقش و وظیفه بانک در پرداخت چک را با مسائلی خارج از بانک که ادعا می‌شود جرمی واقع شده و اثبات آن در مرجع قضایی است، مخلوط کنیم؟ چک مفقود شده را چه کسی ممکن است پیدا کند و به بانک ارایه کند؟ سارق کیست؟ جاعل و کلاهبردار کدام است؟ و قس عینها. این وقایع چه ارتباطی با بانک دارند؟ اگر صادرکننده یا دارنده چک ادعا می‌کند که آورنده چک به بانک سارق است. جاعل است. کلاهبردار است. خیانت در امانت کرده. چرا پای بانک را به میان می‌کشند و قبل از اثبات اتهام یا جرم بانک نباید وجه چک را بپردازد! دعوی یا شکایت بین دارنده و صادرکننده و ارایه‌دهنده چک به بانک است که ممکن است سارق باشد یا جاعل و غیره. این موضوع را چرا به بانک ارتباط بدهیم و بانک موظف باشد به طرف ادعا وجه چک را که صادره کننده از مایملک خود خارج کرده است، نپردازد؟ این ادعا و شکایت و غیره مربوط به خارج از بانک است و در مرجع قضایی بایست حل و فصل بشود.

پس به همان دلیلی که درباره مواد ۳ و ۷ قانون فعلی توضیح دادم، نظرم بر اینست که ماده ۱۴ و تبصره‌های آن از قانون حذف بشود و بانک وارد ماجرا نشود. همانطور که گفتم، وظیفه بانک در پرداخت وجه چک مشخص است و صرف ادعای صادرکننده یا دارنده چک که بگوید جرمی اتفاق افتاده است و چک را نپردازید - ولو اینکه گواهی شکایت به مرجع قضایی را هم به بانک تسلیم کند و بانک را نیز وارد ماجرا بکند - صحیح نیست. مگر ادعا یا شکایت واهی وجود ندارد؟ صادرکننده یا دارنده چک ممکن است ادعا کند که چک را دزدیده‌اند، اما باید وقوع سرقت را ثابت کند و سارق هم معلوم شود. قبل از اینکه حقیقت ماجرا کشف بشود و وقوع جرم محقق شود،

● در حال حاضر، اکثر مشکلات ناشی از صدور چک متوجه چک‌های وعده‌دار است که در مقام معامله ردو بدل می‌شود، اما صادرکننده نمی‌تواند در تاریخ وعده محل آن را تأمین کند.

● چک عادی نباید انواع و اقسام و اشکال مختلف داشته باشد.



مشخص قانونی داده باشند. اگر در جامعه هم وجود داشته، وقتی که مشخصاً تعارض با کاربری چک از نظر قانون تجارت دارد، ضرورتی نبوده که بر آن صحنه گذاشته شود و چک با ابداعات قانونگذار از مسیر صحیح و اصلی آن خارج شود. چک فقط وسیله پرداخت است. نه ضمانت نامه است، نه اعتبارنامه است و نه چیز دیگر. برای پرداخت وجه چک هم نمی شود شرط تعیین کرد. آن چکی معتبر است و چک واقعی تلقی می شود که حاوی محل پرداخت و تاریخ صدور و امضای صادرکننده و مبلغ باشد. چک سفید امضا یعنی چه؟ اصلاً این چک نیست. جواز صدور این قبیل چک ها چیست؟ تازه وقتی که به صراحت گفته شده "ممنوع است" مواد ۱۲۰ و ۱۳ مذکور هم دلالت بر جواز صدور این چک ها نمی تواند داشته باشد. می خواهیم بگویم که خود ما به دست خودمان مشکلی را ایجاد کرده ایم و حالا از حجم پرونده ها و شکایت ها و تعداد محبوسان و غیره شکوه داریم! یادآور می شوم که در طرح جدید این مسایل مطرح نیست.

در هر حال، به نظر من، یک قانون مختصر و مفید می بایست برای چک تدوین شود و به تصویب برسد. مطلب اصلی و مهم این است که چک را در جایگاه واقعی آن قرار دهیم که به پاره ای از مسایل آن اشاره کردم و در این گفتگو هم فرصت و مجال کافی برای پرداختن کامل به موضوع وجود ندارد. اما درباره تمهیداتی که در مورد پشتوانه چک در نظر گرفته شده است، گفتنی وجود دارد.

راجع به تضمین میزان مسوولیت کارکنان سازمان های مطرح شده در طرح به این نکته می بایست توجه داشت که تضمین از باب ضمانت به این معناست که سازمان متبوع کارمند وجه چک بدون محل او را پردازد. این امر از حدود صلاحیت و اختیارات این سازمان ها خارج است و برای این هزینه ها یا تضمین ها هم اعتباری ندارند و سازمان ها هم خارج از بودجه و اعتبار مصوب نمی توانند خرج کنند.

درباره بقیه پشتوانه ها - چه وثیقه ثبتی و چه قبول مسوولیت مالی صاحب حساب توسط بانک مربوط - از حدود صلاحیت و اختیارات بانک خارج است. در مورد قبول و تضمین مسوولیت مالی توسط اشخاص ثالث یا شرکت های بیمه نیز هر گاه منظور این باشد که بانک محال علیه وجه چک را پردازد و سپس از تضمین یا وثیقه یا مسوولیت مالی ثالث استفاده کند و وجوه پرداختی را پس بگیرد، لازم به تذکار است که منابع سیستم بانکی کشور عبارتند از سرمایه بانک ها و سپرده های اشخاص. سرمایه بانک ها که در بخش دولتی قرار دارد، به صراحت اساسنامه آنها تعلق به دولت دارد و از چنین منبعی نمی توان وجوه چک های صاحبان حساب جاری را

بانک وجه چک را نمی پردازد. در صورتی که واقعاً چک از راه غیر قانونی - حتی از طریق ارتکاب جرم - به دست دارنده آن رسیده باشد، هرگاه بانک وجه چک را با اعمال دقت های لازم از لحاظ عرف بانکداری به آورنده که احراز هویت او توسط بانک الزامی است، پرداخت کرد، گیرنده وجه چک مشخص است و مدعی می تواند در مرجع قضایی و با طرح دعوی احقاق حق کند. منظور و هدف نهایی من این است که وقتی که چک عادی بر طبق موازین قانونی بانکی صادر شد و به بانک اربلبه گردید. بانک در محدوده وظایف اداری خود هرگاه چک را اصیل و صحیح تشخیص داد، باید پردازد و بانک را نباید وارد اختلاف بین صادرکننده و دارنده و شخص یا اشخاص ثالث نمود.

وقتی که ما دیدیم ماده ۱۳ که صدور چک به عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، وعده دار یا سفید امضا را ممنوع اعلام کرده، اما کارساز نیست و عملاً این نوع چک ها وجود دارند، بهتر است به مبدأ کار رجوع کنیم. تعریف چک، همانطور که قبلاً گفتم، در قانون تجارت است. در قوانین متعدد مربوط به چک که مؤخر بر قانون تجارت هستند، چک تعریف قانونی ندارد، الا اینکه در مصوبه سال ۱۳۷۲ به تعریف انواع چک پرداخته شده و نوع اول آن چک عادی است که خود این تعریف اشکال دارد که فعلاً جای بحث آن نیست.

قبلاً توضیح دادم که صاحب حساب به موجب چک از حساب خودش وجهی را به دیگری واگذار می کند، یعنی نفس کار این است که صادرکننده چک پولی را به دیگری می پردازد. این پرداخت فاقد هر گونه قید و شرطی است. به عبارت دیگر، کاربری چک این است که پولی از حساب جاری خارج شود و در اختیار دیگری قرار داده شود. حالا ما بیاییم به چک که ماهیت و شکل حقوقی آن کاملاً روشن است، انواع و اقسامی از قبیل چک تضمینی یا تأمین اعتبار یا مشروط و غیره قابل شویم. خلاف اصل است. چرا برای این قبیل مسایل و امور از چک استفاده شود؟ چک تعریف روشن و مشخص و واضحی دارد که عرض کردم. از این گفته می خواهم این نتیجه را بگیرم که وقتی کاربری چک محدود شد به آن چه در قانون تجارت آمده است و صادرکننده یا هر شخص دیگری هم قانوناً ممنوع از جلوگیری از پرداخت شد و چک انواع و اقسام نداشت، بانک هم مصون و برکنار از اختلافات و منازعات بین افراد نگاه داشته شد، استفاده از چک از راه های غیر اصولی و غیر قانونی آن خود به خود متروک می شود و به تبع آن، منازعات و مناقشه ها و دعوای بر سر چک هم کاهش می یابد.

اضافه می کنم که قبول کردن انواع و اقسامی برای چک - چه در ماده ۱۲ قانون مصوب سال ۱۳۵۵ و چه ماده ۱۳ مصوب سال ۱۳۷۲ - از ابداعات قانونگذار است. بدون اینکه برای هر یک از انواع چک تعریف

● بانک را نباید وارد اختلاف بین صادرکننده و دارنده چک و شخص یا اشخاص ثالث نمود.

● خود ما به دست خودمان مشکل ایجاد کرده ایم و حالا از حجم پرونده ها و شکایت ها و تعداد محبوسان و غیره شکوه داریم!

است که انواع و اقسام آن در قانون و آیین‌نامه مربوط پیش‌بینی شده است و این قرارداد و وثیقه، قرارداد اعطای تسهیلات تلقی نمی‌شود. در نتیجه، بانک نمی‌تواند چه منابع خود و چه منابع سپرده‌گذاران را بدون بازدهی در اختیار اشخاص قرار بدهد.

به این نکته هم می‌بایست توجه داشت که هرگاه بخواهیم سیستم چک و حساب جاری را مطابق طرح جدید تغییر شکل بدهیم، مثلاً به صاحبان حساب جاری تکلیف کنیم که تضمین یا وثیقه یا نظایر آن را به بانک بیاورند، دگرگونی و مشغله طاقت فرسایی در بانک‌ها ایجاد می‌شود که سرانجام آن مشخص نخواهد بود.

در هر حال، به نظر من، تغییر دادن مقررات چک و حساب جاری دارای ظرافت و ویژگی‌های خاصی است. همانطور که تاحال هرچه قانون را تغییر داده‌ایم، نتیجه مطلوب نگرفته‌ایم، درحال حاضر هم هرگاه بدون مطالعه و بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی جامعه‌مان باشد، نتیجه و اثر معکوس عایدمان خواهد شد.

فعلاً در این گفتگو به همین نکاتی که اشاره کردم، بسنده می‌کنم تا در فرصت مناسبی به تحلیل و بررسی جامع و کامل موضوع بپردازیم.

با آرزوی توفیق خدمت برای مسوولان و کارکنان محترم مجله.

پرداخت کرد. مصرف سپرده‌های مشتریان هم بر طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، مشخص است که در اعطای تسهیلات می‌بایست به کار گرفته شوند و چون بانک به وکالت از طرف سپرده‌گذار عمل می‌کند، لذا خارج از حدود اختیارات خود نمی‌تواند عمل کند.

اضافه می‌کنم که از تاریخ پرداخت وجه چک بدون محل توسط بانک تا برگشت وجوه پرداختی به صندوق بانک، فاصله زمانی وجود خواهد داشت. توضیح می‌دهم فرضاً بانک برای پشتوانه پرداخت چک‌ها وثیقه مسلکی می‌گیرد و وجه چک‌ها را می‌پردازد. اما چون گرفتن وثیقه مسلکی قرارداد خاصی می‌خواهد، لذا بانک می‌بایست برای برگشت منابع خود به استناد قرارداد اجراییه ثبتی صادر کند. مطابق مقررات، مدیون یا وثیقه‌گذار هشت ماه مهلت از تاریخ ابلاغ اجراییه دارد که بدهی خود را بپردازد. بدیهی است که در فاصله این هشت ماه پرونده را کند می‌ماند و اقدامی ندارد. پس از آن، برای سزایده مورد وثیقه یا واگذاری آن به بانک زمان دیگری لازم است. یعنی مشخصاً قبل از یک سال بانک به منابع خود نمی‌رسد و در این فاصله زمانی بازدهی برای بانک وجود ندارد. گر چه بر طبق تبصره الحاقی به ماده ۱۵ قانون عملیات بدون ربا، بانک‌ها حق مطالبه و دریافت دیرکرد را دارند. لکن این امر مخصوص تسهیلات اعطایی بانک‌ها



دیدگاه دوم:

راهکارهای تقویت قانون کنونی چک

شکایت کیفری علیه صادرکننده را به شش ماه از تاریخ صدور چک یا ششماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت محدود کرده‌است. آیا این مهلت‌ها در مورد چک‌های موضوع ماده ۱۳ قانون نیز قابل اجراست یا خیر؟

۲- در خصوص چک‌های مشمول ماده ۱۳ اصلاحی چه تأمینی باید اخذ شود؟ آیا وجه‌انضمام یا ضمانتنامه مذکور در ماده ۱۸ قانون در خصوص چک‌های موضوع ماده ۱۳ جاری است یا خیر؟

۳- آیا صادرکننده چک امانی (به فرض اثبات امانی بودن چک) قابل مجازات است یا خیر؟ در صورت مثبت، صادرکننده چنین چکی مشمول مجازات مقرر در ماده ۱۳ قانون می‌باشد یا ماده ۷؟

۴- آیا صدور چک بدون تاریخ مشمول مجازات مقرر در ماده ۱۲ اصلاحی قانون صدور چک می‌باشد؟

۵- آیا در مورد چک‌های وعده‌دار می‌توان قبل از

● جناب المعی، لطفاً ابتدا بفرمایید که مشکلات فعلی قوه قضاییه و سیستم بانکی در اثر انبوه چک‌های بلامحل ناشی از چیست: قانون، عملکردها، نداشتن فرهنگ چک، ناپایداری شرایط اقتصادی و بحران‌های مالی تحمیلی به اشخاص یا عوامل دیگر؟

○ در خصوص مسایل مطروحه در این سؤالات ترکیبی که در حقیقت از چهار سؤال تشکیل شده و هر یک به تنهایی نقش اساسی در بروز مشکل برای قوه قضاییه و سیستم بانکی دارند، لازم بنظر می‌رسد که توضیحات جداگانه داده شود:

الف - قانون: قانون صدور چک، علیرغم اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۲ در آن صورت گرفته، دارای نقایض و ابهامات متعددی است که بعضاً تفسیرهای ناصواب و متعارضی توسط محاکم نسبت به آن صورت گرفته یا می‌گیرد، از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- قانونگذار در ماده ۱۱ قانون صدور چک مهلت

● با وجود تصریح ماده ۱۶ قانون صدور چک، مبنی بر فوری بودن امر رسیدگی به دعوی مربوط به چک، عملاً چنین قوانینی در محاکم اعمال نمی‌شود.